

## آينه

**جمهوری اسلامی**

**شکر نعمت / به بهانه ورود روزنامه جمهوری اسلامی به سی‌وهفتمین سال انتشار**

**مسیح مهاجری**: روزنامه جمهوری اسلامی، اهل یرخاش، بدکویی و اهانت به این و آن نیست، اما در انتقاد حتی از دوستان صمیمی نیز تردید نمی‌کند، انتقاد منصفانه و محرمانه. در شرایطی که بسیاری از مردم بی‌سریپنهند و حتی برای نان شیش‌ان نیازمند هستند، تحمیل هزینه‌های گراف بر بیت‌المال حتی برای ساخت‌وسازهای مربوط به عزیزترین و محبوب‌ترین‌ها که در عشق‌ورزین به آنها دراهی تردید به خود راه نمی‌دهیم را جایز نمی‌دانیم و مشفقانه به آن انتقاد می‌کنیم. در تذکر‌دادن عملکردها و رفتارهایی که حق نمی‌دانیم تردید به خود راه نمی‌دهیم و هیچ مصلحتی را بالاتر از «النجیحه لائمه المسلمین» نمی‌دانیم. ما بر این اعتقادیم که مصلحت‌گرایی‌های جعلی هرگز به مصلحت کشور و نظام و مردم نبوده و نخواهد بود. بر همین اساس است که روزنامه جمهوری اسلامی با هیچ دولتی تعارف ندارد و هیچیک از آنها را اعم از چپ و راست و اصلاح‌طلب و اصولگرا و اعتدالی از انتقادهای مشفقانه خود بی‌نصیب نگذاشته است. رسانه‌ها اگر بتوانند فرهنگ انتقاد سازنده و مشفقانه را در کشور نهادینه کنند، می‌توان گفت بخش مهمی از رسالت خود را انجام داده‌اند. لازمه شرک نعمت بزرگ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی که با رهبری انسان بی‌نظیر عصر حاضر عبد صالح خدا، امام خمینی نصیب ما شده، همین است.

**شمرود**

**کدام جوان؟**

**عباس عبدی**: حریص‌تر شدن برای اثبات حق انتخاب است. وقتی که با دو نسل بعد از انقلاب آن‌چنان رفتار کردیم، اکنون مانده‌ایم که با این نسل آخری چکار کنیم؟ نسلی که فرصت اجتماعی کردن آن دیر با زود به کلی از دست خواهد رفت، به ویژه که رسانه‌های مدرن این آخرین تکیه‌گاه نسل اول را از انحصارش خارج کرده است و درحال شکل دادن یک جامعه‌ای از نسل جدید، درون جامعه بزرگتر است جامعه بزرگ‌تری که هر روز که می‌گذرد درحال آب‌شدن است. مشکل جوانان سازمان و وزارتخانه و امثال آن نیست. مشکل وجود نگاه قییم‌بانه و هدایت‌گرانه غیراختیاری است که برای کوچک‌ترین کارهای آنان دستورالعمل‌ها و امر و نهی‌های روشن دارد و همین مسئله موجب واکنش این نسل به تمامی آنچه که پدران و پدربزرگان می‌گویند شده است.

**رنگ**

**تحلیلی بریک بازگشت!**

**محمدعلی وکلی**: نام سپاه پاسداران امنیت‌آور و غرور‌آفرین است. تا زمانی‌که این نهاد گرفتار کج‌روی گروه‌های سیاسی و باندی نکرد هیبتش باعث ایجاد وحشت برای دشمنان نظام و وجودش مایه عزت و امنیت دوستان خواهد بود. سپاه به سرمایه اجتماعی غیرقابل محاسبه برای کلیت نظام تبدیل شده است. پاسداری از این سرمایه بر عهده مهندسان اجتماعی این نهاد معظم می‌باشند. حال با توجه به تغییر نسل سپاه باید دید که برخورد همکاران امروز آقا محسن با فرمانده دیروزشان چگونه خواهد بود. ان‌شاءالله که آغوش باز آنان و قدرشناسی شان نسبت به فرمانده دیروز خود، موجب به بار نشستن آرمان‌های این مرد بزرگ گردد و سپاه با آقا محسن با تجربه و آزموده محیط‌های مختلف، محبوب‌تر از همیشه در دفاع از نظام و انقلاب نیک بدرخشد.

**حسن‌محمد**

**بازرسی برای جنک**

**سیدعابدین نورالدینی**: وقتی اورانویوم غنی شده‌ای در کشور ذخیره نمی‌شود و همه فرایند غنی‌سازی تحت نظارت آژانس است، چرا آمریکایی‌ها اصرار دارند مختصات توان نظامی ایران را بدانند؟ چرا «لوران فابیوس»، وزیر خارجه فرانسه تاکید می‌کند در صورت عدم موافقت ایران با بازرسی نظامی، توافق هسته‌ای امضا نخواهد شد؟ شرط توافق هسته‌ای، دادن اطلاعات نظامی کشور است؟! ماجرا بسیار واضح است! بازرسی از مراکز نظامی ایران، شرط توافق نیست! شرط جنگ است و در این شرایط چه بهتر اینکه توافق نشود و امنیت باشد تا اینکه توافق بشود و جایه جنگ هم گسرتده!

**احمد**

**نمی‌دانم چرا مردم به روحانی‌رای داندن**

**جعفر شحونی**: ما چون جزو دلولایسان هستیم دانما غصه این نظام را می‌خوریم/ تا امروز دولت در جاهای مختلف هزار جور صحبت و به دلواپسی‌ها، توهین کرده است. یک‌بار به جهنم حواله‌شان کرده، یک‌بار بی‌سواد خطاب‌شان کرده و جای دیگر هم گفته اینها بگذازند و بروند. رهبری بود که جلوی این سخنان دولت را گرفت و اجازه نداد بیش از این به ما توهین شود وگرنه دولت می‌خواست به این روند توهین‌آمیز خود ادامه دهد/ روحانی هم کلاه و هم ریش ما است اما عملکردش برای ما قابل قبول نیست/ مگر این آقا چه گفته که مردم او را انتخاب کردند؟ / ما چهار سال اول از احمدی‌نژاد حمایت کردیم و پشتش ایستادیم اما در چهار سال دوم به دلیل وجود کسانی همچون مشایی و بقایی در کابینه و اطرافش به او هم انتقاد کردیم

**سیاست**

**عباس عبدی در گفت و گو با «شرق»:**

# ۸۸ باید دور نتیجه را خط می‌کشیدیم

**مازیار خسروی**



عکس نهایی صحنی

این مرد چنان با «عقل سرد» سخن می‌گوید که اگر با مرکب احساس به میدان آمده باشی در نخستین زورآزمایی، شانه‌هایت از غبار واقعیت خاکی می‌شود. جوان‌تر که باشی، عقل سرد عباس عبدی، خشمگین و افسرده‌ات می‌کند. تکیه‌زدن‌اش بر جایگاه «همه‌چیزدانی» که ندیدن‌های تو را بر آینه، دائم در برابر خشت‌خام تجربه می‌گذارد، بیش از همدلی، ییزاری برمی‌انگیزد. باید یک دهه بگذرد، بیفتی و آدم‌هایی است که آنچه را با همین عقل سرد به درستی‌اش معتقد شده است، به رأی نمی‌گذارد. تکرر نیست، اما از تک‌ماندن نمی‌هراسد. منظر می‌ماند دیگران آزموده‌های ذهنی‌اش را آزمایش کنند و افتان و خیزان به همان جایی برسند که او ایستاده است.

تاریخ – نه‌فقط صدسال اخیر- برخی از پروژه‌های استبداد به دست کسانی پیش رفته است که داعیه آزادی‌خواهی داشته‌اند.

**شما به‌گونه‌ای صحبت می‌کنید که انگار تمام تقصیرها گردن اصلاح‌طلبان است و طرف مقابل به‌هیچ‌وجه مقصر نیست.**

بستگی به نگاه ما دارد، اگر قصد ما قضاوت است باید هر دو طرف ارزیابی شوند؛ برای نمونه اگر بین شما و دیگری اختلافی باشد، باید حرف هردو طرف را شنید و متناسب با آن درباره هردو طرف قضاوت کرد؛ اما گاهی اوقات مخاطب شما فقط من هستم و با آن طرف شما هم کاری ندارم. در این حالت من فقط در مورد شما می‌توانم اظهارنظر کنم- یا برعکس. الان هم بحث شما درباره اصلاح‌طلبان است. به‌علاوه وقتی که می‌پذیریم موضوعی به نام اصلاح‌طلبی ضروری است به‌صورت قرارداد پذیرفته‌ایم طرفش اشکال دارد که اگر نداشت، بحث درباره اصلاحات موضوعا منتفی است.

**خب، اجازه دهید از این بحث عبور کنیم. شما به عملکرد اصلاح‌طلبان بعد از ۸۸، انتقاد دارید؟**

**قلبش که خود شما به ستاد آقای کروبی رفته بودید و نتوانستید روی روند کار ایشان تأثیر بگذارید؛ شما پیش از انتخابات، گفته بودید اصلاح‌طلبان نباید به قصد پیروزی در انتخابات حاضر شوند، بلکه تنها باید از فرصت فضای انتخاباتی برای طرح مطالباتشان استفاده کنند.** تا حدی حرف شما درست است، اما همه ماجرا این نیست؛ اساسا آن قضیه برای من فراتر از یک فعالیت سیاسی نبوده است، برای اینکه شما سابقه کار مرا دقیق بدانید، باید بگویم ابتدا در ستاد آقای کروبی بودم و همان زمان هم گفتم اگر آقای خاتمی بیاید، من در ستاد هیچ نامزدی فعالیت نخواهم کرد. به محض اینکه آقای خاتمی آمد، از ستاد آقای کروبی خارج شدم و بعد از یک ماه [اعلام انصراف از نامزدی آقای خاتمی] دوباره به ستاد آقای کروبی بازگشتم. اساسا به نام جریان اصلاحات با هدف کسب قدرت وارد نشده بودم، چون عقیده نداشتم در سال ۸۸ چیزی به نام اصلاحات می‌تواند حضور واقعی در انتخابات داشته باشد. اینها را قبل از انتخابات به‌طور کامل نوشته‌ام و می‌توانید به آنها مراجعه کنید.

**ا به‌رحال در انتخابات ۸۸ در آن ستاد بودید.** تقریبا اکثر بدنه اصلاحات به سمت آقای موسوی رفتند، ولی من که رفتم، من آنجا [ستاد موسوی] نمی‌توانستم تأثیرگذار باشم، چراکه به مرور زمان ماجرا فراتر از اراده این و آن اتفاق می‌افتاد. اگر نامه به دبیرکل مشارکت در زمستان ۸۷ منتشر کنید، دقیقا این نکات در آن پیش‌بینی شده است.

**با وجود این، آقای کروبی مسیر خودش را ادامه داد و شما نتوانستید تأثیرگذار باشید.**

بله، البته روند پیش از روز انتخابات در ستاد آقای کروبی قابل دفاع است، ولی اتفاقات بعدی فراتر از تصمیم این و آن شد و ریشه در روند پیش از ۲۲ خرداد داشت. من در آن برهه دراین‌باره سکوت کردم، بنابراین انتقاد در اصل، نه به بعد از روز رأی‌گیری، بلکه به اتفاقات قبل از آن است، یعنی با رخ‌دادن آن اتفاقات بالطبع اتفاقات بعد از انتخابات قابل پیش‌بینی بود.

**بعد از آن هم جاهایی امکان داشت که این**

**اتفاقات این‌طور نباشد؟** فعلا که شده، یعنی توانایی این را نداشتند که به‌گونه دیگری پیش ببرند، نحوه ورود جریان‌ها به انتخابات، بسیاری از اتفاقات بعدی را رقم زد و تعیین کرد.

**یعنی معتقدید امکان جلوگیری از برخی اتفاقات وجود داشت؟**

اگر به‌لحاظ منطقی و نظری بگویم، بله امکان‌ش وجود داشت.

**به‌لحاظ عملی چه؟**

به نظر من خیر، من با حضور خیابانی موافقم، اما با لحاظ یک شرط، اینکه کسی که به خیابان می‌آید خودش بتواند بازگردد، ولی هنگامی که کسی به خیابان کشانده شود، کارش تمام است. این برای نیروی سیاسی یک سم مهلک است؛ همان مشکلی که ما با غرب داریم، اینکه پای حرفی که زده‌ایم، تا آخر باید بایستیم؛ یک شعاری داده می‌شود و از ترس متهم‌شدن به سازش، نمی‌توانیم آن را اصلاح کنیم یا تغییر دهیم. این مشکل را در داخل هم داریم. در بین اصلاح‌طلبان هم این مشکل وجود دارد. برخی از افرادی که در خارج از کشور این شعار را می‌دهند، در داخل نمی‌توانستند این شعارها را بدهند و بایستند. بنابراین شما اگر بحث تأثیرگذاری را مطرح می‌کنید و می‌گویید چرا اثرگذاری نداشتید، به این دلیل بازمی‌گردد که در آن شرایط دیگر کسی در سطح من و بالاتر قادر نبود کاری از پیش ببرد. از پیش نباید اجازه داده می‌شد که کنترل از دست خارج شود.

**خب، شما با این دیدگاه انتقادی به آستانه انتخابات سال ۹۲ رسیدید. آن زمان از نوشته‌های شما این‌گونه دریافت می‌شد اصلاح‌طلبان این بار باید بیایند که در انتخابات بازنده شوند تا به طرف مقابل نشان دهند اگر هم بیازند قاعده بازی را رعایت می‌کنند تا اعتمادسازی شود و بعدا بتوانند دوباره وارد میدان شوند.**

می‌دانم از کجای مطالبم چنین برداشتی کرده‌اید. شاید به این علت که درباره پیروزی حرفی نزده‌ام. بنده در مرحله فعلی سیاست کشور در ورود به انتخابات بحث برد- باخت را کنار می‌گذارم. هیچ‌وقت حاضر نیستم بگویم آقا بیاید شرکت کنید که حتما می‌بریم کار مرا دقیق بدانید، باید بگویم ابتدا در ستاد آقای کروبی بودم و همان زمان هم گفتم اگر آقای خاتمی بیاید، من در ستاد هیچ نامزدی فعالیت نخواهم کرد. به محض اینکه آقای خاتمی آمد، از ستاد آقای کروبی خارج شدم و بعد از یک ماه [اعلام انصراف از نامزدی آقای خاتمی] دوباره به ستاد آقای کروبی بازگشتم. اساسا به نام جریان اصلاحات با هدف کسب قدرت وارد نشده بودم، چون عقیده نداشتم در سال ۸۸ چیزی به نام اصلاحات می‌تواند حضور واقعی در انتخابات داشته باشد. اینها را قبل از انتخابات به‌طور کامل نوشته‌ام و می‌توانید به آنها مراجعه کنید.

**با وجود این، آقای کروبی مسیر خودش را ادامه داد و شما نتوانستید تأثیرگذار باشید.**
بله، البته روند پیش از روز انتخابات در ستاد آقای کروبی قابل دفاع است، ولی اتفاقات بعدی فراتر از تصمیم این و آن شد و ریشه در روند پیش از ۲۲ خرداد داشت. من در آن برهه دراین‌باره سکوت کردم، بنابراین انتقاد در اصل، نه به بعد از روز رأی‌گیری، بلکه به اتفاقات قبل از آن است، یعنی با رخ‌دادن آن اتفاقات بالطبع اتفاقات بعد از انتخابات قابل پیش‌بینی بود.

**اتفاقات وجود داشت؟**

و بیشترین رای را کسب کنیم، اما آن زمان هیچ‌کس از مرحله اول عبور نکرد و بخش عمده‌ای حتی تا دو، سه روز آخر حاضر نشدند شرکت کنند، عده‌ای هم که کلا تحریم کردند، ولی اگر از این مرحله عبور می‌کردند باید فردی را به عنوان نامزد خود معرفی می‌کردند، اما چون این کار را نکردند نامزدی هم نداشتند. روحانی که اصلا نامزد اصلاح‌طلبان نبود، عارف هم که شخصی شرکت کرده بود، حتی گفتند عارف اصلاح‌طلب بدلی است. در مراسم ختم آقای طاهری که چند روز پیش از انتخابات بود، وقتی با یکی از دوستان درباره انتخابات بحث شده بود؛ گفته بود انتخابات چیه؟ ما اصلا شرکت نمی‌کنیم. اساسا شرکت را قبول نداشتند. هم باز با یک منطق اشتباه پشت آقای روحانی آمدند و ایستاند. به نتیجه نگاه کنید. به منطق پشت آن نگاه کنید. منطق آنها هم این بود که چاره‌ای نداریم. درحالی‌که نیروی سیاسی باید از ابتدا، تصمیم خود را بگیرد، حتی اگر از ابتدا همین آقای روحانی را کاندیدا و از او حمایت می‌کردند و سعی می‌کردند رای بیابوند بهتر از این بی‌واکنشی بود، بنابراین بحث بنده این نبود که وارد انتخابات شوند و شکست بخورند، اتفاقا با کارهایی که احمدی‌نژاد کرده بود، بسیار شانس خوبی داشتند، ضمن اینکه فراموش نکنید ممکن است شرکت نکنید و آقای الف انتخاب شود یا شرکت کنید بازهم آقای الف انتخاب شود. این دو حالت، دو نتیجه متفاوت هم دارد؛ چون مشارکت با خود قدرت و اثرگذاری به همراه دارد. همان مثال بوم نقاشی که در ابتدای کار گفته.

**یعنی شما و اصلاح‌طلبان با دو رویکرد متفاوت به انتخابات وارد شدید، اما نتیجه یکسانی گرفتید؟**
ولی این تفاوت در نگرش فعلی من درباره نوع همکاری و مشارکت که در اولین پرسش پاسخ دادم، همچنان وجود دارد. به‌طور کلی شما زمانی فقط به نتیجه می‌پردازید که حضور برایتان بلاموضوع است؛ مثلا در کشوری مانند انگلستان، حضور چه معنا دارد؟ انتخاباتی است با سازوکار کاملا مشخص که شرایط مشارکت در آن تعریف شده است، افراد فعالیت می‌کنند، پس طبعاً دنبال نتیجه هستند و بحث حضور یا حضورنایافتن در درجه دوم اهمیت است.

**شما معتقدید در جهان سوم این قدرت است که به رای تبدیل می‌شود نه بالعکس.**

**همه‌جا این‌طور نیست. ظاهر امر این‌گونه است که قدرت ما در سال ۹۲ کمتر شده بود، اما قضیه طوری دیگری رقم خورد.**

چند دلیل دارد: نخست، دوستانی که به نتایج انتخابات ۸۸ اعتراض دارند، متوجه نیستند طرف مقابل آنها به رفتار این دوستان استناد می‌کند و می‌گوید شما به‌صورت ابزاری به انتخابات نگاه می‌کنید. انتخابات مگر سازوکاری نیست که یک سیستم طراحی کرده است؟ این سازوکار که نمی‌تواند ساختار خود را ذاتا نقض کند و به حربه‌ای علیه آن تبدیل شود. این سازوکار می‌تواند ساختار را تغییر دهد، اما به‌صورت بنیانی نقض نمی‌کند. طرف مقابل می‌گوید شما هم ابزاری به این صندوق رای نگاه می‌کنید. فعلا کاری به این ندارم که آیا ادعای آنها درست است یا غلط، ولی می‌گویند می‌خواهد رای را گرفته و پیروژه خود را که پروژه‌ای مخالف اساس حکومت است به پیش ببرد. در هر نظامی هر کسی می‌تواند در پی این تحول باشد، ولی از طریق انتخابات همان نظام دشدنی نیست. با این توضیح معتقدم در سال ۸۸ فرایند از دو طرف، قبل از روز رأی‌گیری غیرانتخاباتی بود، نه روز انتخابات؛ برای نمونه شما در روز ۲۲ خرداد ۸۸ - فارغ از اینکه از نتیجه اطلاع داشته باشید- فکر می‌کردید روز ۲۳ خرداد چگونه خواهد بود؟ یعنی فارغ از نتیجه چه حسی داشتید؟ آیا فکر نمی‌کردید که اتفاق مهمی در حال وقوع است؟ درحالی‌که در ۲۵ خرداد ۹۲ همه می‌دانستند امروز، روز آرمش است. معیار تشخیص انتخابات از غیر انتخابات این است که شما چهار سال مبارزه می‌کنید یا با استرس‌ها و تنش‌ها، انتخابات به شما نشان می‌دهد آیا قبول شدیدی یا نه. بعد از آن دیگر کار تمام شده و بازی تمام می‌شود، اما ۲۲ خرداد عکس این قضیه اتفاق افتاد. گویی مبارزه اصلی از ۲۳ خرداد شروع می‌شود. این انتخابات نیست و نباید نام آن را انتخابات گذاشت. حتی اگر اسم آن انتخابات باشد رسم آن انتخابات نبود. هیچ نیروی اصلاح‌طلبی نباید در چنین فرایندی شرکت کند یا حداقل چنین فرایندی را شکل دهد. من به آقای موسوی اعتراضی ندارم، اعتراض من به اصلاح‌طلبان است که باید می‌فهمیدند بنابه دلایل

تحلیلی مشخص، ۸۸ نوبت آنان نیست. می‌بایست از اول دورش را خط می‌کشیدند؛ یکی از آن دلایل درآمدهای نفتی آن سال دولت بود. اصلاح‌طلبان اگر فقط یک حضور و دست‌گرمی می‌داشتند، کافی بود. شما می‌دانید در بهار سال ۸۸ چقدر پول خرج شد؟ حداقل ۱۰ میلیارد دلار، دلارها کجا رفتند؟ خب جایی می‌رود که قرار است برود و شما چگونه می‌خواهید دستور بدهید آنجا نرود؟ اگر دست کسی دیگر بود نمی‌رفت؟ تحلیلی را که می‌گوید دولت «رائتر» است باید به یک واقعیت عینی تبدیل کنیم و از آن نتیجه بگیریم. اگر درآمدهای نفتی ۱۰۰ میلیارد باشد، رفتار ما باید با زمانی که درآمدانم ۲۰ میلیارد دلار است متفاوت باشد. اگر این تفاوت‌ها را نپذیریم، یعنی به پایه‌های تحلیل توجهی نمی‌شود.

اما نه اینکه اثر پیروز شدید بد باشد و نه اینکه برای پیروزی فعالیت نکنید. اما قبل از آن باید بیورسیم که آیا حضور شما در انتخابات به نهادینه‌شدن دموکراسی کمک می‌کند یا نه؟ باید اول این نکته را حل کرد. اگر به این نتیجه رسیدید، برد یا باخت بحث فرعی قضیه خواهد بود. از وقتی که قضیه پیروزی مطرح شد، کل بازی را از یاد بردند. آنچه می‌گفتم این بود که در سال ۹۲ باید اساسا بر شرکت در انتخابات گذاشت. هیچ‌وقت حاضر نبودم بگویم حتما پیروز می‌شوید، چون این یک فریب و دروغ است. هیچ‌کس نمی‌تواند به دیگران وعده پیروزی بدهد. برخی که می‌خواستند آقای خاتمی را در سال ۹۲ به صحنه بیاورند، می‌گفتند انتخابات برای آنان فرع بر موضوع دیگری که مبارزه است، بود. من در آن زمان هیچ‌وقت وعده پیروزی ندادم. چون هیچ قطعینی دراین‌باره وجود ندارد. شما وقتی تصمیم به مشارکت گرفتید و اصل مشارکت را پذیرفتید، آن‌موقع می‌توانید روی نحوه شرکت و چگونگی صحبت کنید و بررسی کنید چگونه باید عمل کرد که اولا مشارکت ممکن و معقول باشد و ثابا بیشترین شانس را برای پیروزی داشته باشیم

**ادامه در صفحه ۷**

## آينه ديروز

# ۹ سال پیش در چنین روزی

- تأکید سازمان ملل، اتحادیه اروپا و روسیه بر ضرورت حل مسالمت‌آمیز مسئله هسته‌ای ایران- (جان بولتون نماینده آمریکا در سازمان ملل، در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا گفت که به محض بازگشت به نیویورک از کنگره آمریکا، کار روی فصل هفت قطع‌نامه را آغاز خواهد کرد- درهمین حال خبرگزاری فرانسه به نقل از جواد ظریف نوشت که ایران قصد دارد برای اطمینان‌دادن نسبت به آنکه سوخت تولیدشده در این کشور برای تولید سلاح به کار نمی‌رود، سقفی را در قابلیت غنی‌سازی اورانیوم بپذیرد)
- ۱۴۱۴گردان مشهور درباره فرش ایران فیلم ۵دقیقه‌ای می‌سازند
- در سال جاری- ۲۰هزار واحد مسکونی برای فرهنگیان ساخته می‌شود
- معاون واگذاری سازمان خصوصی‌سازی: تمام شرکت‌های سودده دولتی در قالب سهام عدالت واگذار می‌شوند

**جمهوری اسلامی**

- سه میلیون کودک یمنی زیر خط فقر زندگی می‌کنند
- تا دو ماه آینده- عملیات احداث خط لوله گاز ایران به هند و پاکستان آغاز می‌شود
- وزیر راه‌ونترابری در فارس: اتصال راه‌آهن شیراز-اصفهان به بوشهر یا عسلویه وعده با پشوانه قانونی است
- دادستان کل کشور خواستار پیگیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی در لبنان شد
- وزیر امور اقتصادی و دارایی: زمینه پرداخت نقدی بارانه در حال شکل‌گیری است
- ترازوی تکراری کمبود داروهای بیماراران خاص!- (مشکل کمبود دارو تا چندی پیش اغلب برای بیماران هوفولی اتفاق می‌افتاد اما متأسفانه در چند روز اخیر بیماران تالاسمی هم به این جرگه پیوستند اما برخلاف اینکه مسئولان وزارت بهداشت معتقدند که کمبود دارویی در این زمینه وجود ندارد اما هنوز داروی «دسفرال» در داروخانه‌ها نایاب است)

**اخبار**

- بیماران دبلیلز در شرایط بحرانی- ۳۰هزار بیمار دبلیلازی از هفت روز پیش به علت کمبود صافی و تجهیزات دبلیاز در شرایط بحرانی به‌سر می‌برند
- پیشنهاد ایران برای پایان بحران هسته‌ای- [ظریف]: غنی‌سازی محدود را می‌پذیریم- هم‌زمان با انتشار خبری مبنی بر گفت‌وگوی مستقیم [محمودجواد ظریف] نماینده ایران در سازمان ملل با سناتور آمریکایی، روزنامه نیویورکتایمز در شماره دیروز خود از تلاش‌های دولت آمریکا برای بررسی گفت‌وگوی مستقیم با ایران خبر داد. هفته گذشته نیز روزنامه واشنگتن پست گزارش‌هایی مبنی بر تمایل ایران برای مذاکره با مقامات آمریکایی را منتشر کرده بود
- رسول منتجب‌نیا: مردم احساس نکرده‌اند که در سفره آنها تغییری به وجود آمده است

**کیمیا**

- به ارزش ۶۸میلیون دلار صورت گرفت- امضای قرارداد خرید ۱۱۰واکن مسافری از چین
- کارتز: آمریکا باید به دولت برآمده از رای مردم ایران احترام بگذارد
- تعرفه ۶۰درصدی واردات کوشی موبایل قطع شد
- یادداشت روز- حسین شریعتمداری- راه بسته نیست، برگردید- «بعد از رحلت حضرت امام(ره)، بخشی از گروه‌های فعال درعرصه سیاسی کشور با سوءاستفاده از آنچه که شاید به‌زعم خود «آشفتن‌بازار» آن روزها تلقی می‌کردند!کوشیدند تا بلوی خط امام را از سردر نظام اسلامی و توده‌های میلیونی مردم جدا کرده و بر دیوار حزب و گروه خود نصب کنند. این اقدام که باید آن را «سرقت سیاسی» دانست، برخلاف تصور گروه‌های یادشده دوام چندانی نیاورد و تا بلوی –اعراض بوزش- سرقت‌شدنی خودی زودتر از آنچه انتظار می‌رفت به جایگاه اصلی خود که سردر نظام اسلامی و توده‌های عظیم و میلیونی مردم است بازگشت»

**سفر**

- [سیدمحمدصادق خراز]: سفیر سابق ایران در فرانسه در گفت‌وگو با شرق خبر داد: سه لایه علیه مذاکره ایران و آمریکا- ایران را خاموشانه برای آمریکایی‌ها هیچ‌کاد در حاشیه قرار نخواهد گرفت- هرگاه ایران و آمریکا درصدد تنش‌زدایی برآمده سه لایه پیودی، ضدانقلاب و برخی کشورهای عربی منطقه به‌صورت جدی وارد و مانع باشند- «در اواخر دوره زمامداری کلینتون، خانم آلبرایت وزیر خارجه وقت آمریکا دست به‌نوعی خاتمی به‌رغم وجود تمایل، فاقد ابزار و مکانیسم و حمایت لازم برای تمشیت این امر بود»